

اشاره:

استاد عبدالکریم بی‌آزار شیرازی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در شیراز به دنیا آمد. پس از طی مقدمات علوم دینی در آن شهر، تحصیلات عالی خود را در حوزه‌های قم و نجف پی گرفت. وی در سال ۱۳۵۴ برای تحصیل در زمینه تاریخ و تمدن اسلامی رهسپار دانشگاه مک‌گیل کانادا شد. پس از بازگشت، به تدریس در دانشگاه‌های ایران مشغول شد. او در سال ۱۳۷۲ به اخذ درجه دکترای علوم قرآن و حدیث نایل آمد و هم‌اینک رئیس دانشگاه تقریب بین‌المذاهب می‌باشد. استاد عبدالکریم بی‌آزار شیرازی تاکنون بیش از ۱۵۰ عنوان کتاب به رشته تحریر درآورده است که مهم‌ترین آثار علوم قرآنی ایشان عبارتند از: تفسیر کاشف در هشت مجلد، قرآن در ادبیات فارسی چهار مجلد، قرآن و طبیعت پانزده مجلد، الاء الرحمن، ترجمه و تفسیر سوره الرحمن، باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، اخلاق عملی برای جوانان (تفسیر سوره یوسف)، قرآن و تبلیغ و بسیاری مقاله در مجلات و روزنامه‌های داخلی و خارجی.

## تبلیغ آموزه‌های قرآنی؛ راهکارها و چالش‌ها

گفت‌وگو با استاد دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی

● وظیفه تمام مسلمانان می‌باشد. قرآن، مسئله تبلیغ را منحصر به یک عده خاصی ننموده و مربوط به هر کسی در هر شرایطی می‌باشد. یعنی هر کس در هر شغل و مقامی می‌تواند مبلغ اسلام باشد.

● طبیعتاً وقتی این رسالت بر عهده پیامبران، امامان و یا علما و همه مکلفان گذاشته می‌شود، شرایط و مقدماتی نیز برای آن قرار داده می‌شود، شرایط و مقدمات تبلیغ دینی چیست؟

○ همان‌طور که از قرآن بر می‌آید کسی که رسالت تبلیغ دین الهی را بر عهده می‌گیرد، باید حایز شرایطی باشد:

● تعریف تبلیغ از منظر قرآن چیست و تبلیغات دینی در قرآن از چه جایگاهی برخوردار است؟

○ بسم الله الرحمن الرحیم. تبلیغ به معنای پیام رسانی است و ابلاغ پیام نقش به‌سزایی در مسائل مختلف بخصوص در کار پیامبران دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «و ما علی الرسول الا البلاغ». وظیفه پیامبر فقط ابلاغ پیام (وحی) است» (مائده / ۹۹). بنابراین کار اصلی و اساسی پیامبران ابلاغ پیام است. پس از ایشان، ائمه هدی (ع) از طریق اخلاق، عمل و بیان، این پیام را ابلاغ می‌نمایند، و بعد از ائمه، این وظیفه، به طور اخص برعهده علما و به طور اعم،

اولاً خودش، باید عالم باشد. مبلغ دین از پیش خود نمی‌تواند بگوید این حلال است و آن حرام؛ اگر چیزی بیان می‌کند باید از روی علم باشد.

در قرآن، آنجا که به این اصل اشاره می‌کند می‌فرماید: اگر کسی از جانب خود چیزی بگوید، ما رگش را قطع می‌کنیم، حتی اگر خود پیامبر باشد. «ولو تقول علينا بعض الأقاویل، لأخذنا منه بالیمین. ثم لقطعنا منه الوتین. اگر پیامبر

بعضی سخن‌ها را به ما نسبت دهد، او را به شدت مواخذہ می‌کنیم و سپس رگ قلبش را قطع می‌کنیم» (سوره الحاقه / ۴۶ - ۴۴).

شرط دوم این است که مبلغ خودش عامل به علمش باشد. برای خدا سنگین است که شما چیزی بگویید که به آن عمل نمی‌کنید. «کبر مقتا عندالله ان تقولوا مالا تفعلون. این کار، سخت خدا را به غضب در می‌آورد که سخنی بگویید و عمل نکنید» (سوره صف / ۳).

تبلیغ کسی که عامل نیست اثر سوء دارد و به جای آنکه سودمند باشد، زیان بخش است. شرط سوم تبلیغ، مخاطب‌شناسی است و متأسفانه مخاطب‌شناسی بیشتر مبلغان ما ضعیف است. کسی که تبلیغ می‌کند، باید بلاغ آشکار سخن بگوید، به این معنا که مردم مطالبش را بفهمند. رمز موفقیت پیامبران این بود که با لسان قوم صحبت می‌کردند.

حضرت موسی (ع) با زبان قوم صحبت کردند. زبان قوم در آن زمان، سحر و جادو بود و ملاحظه می‌شود که معجزه موسی نیز از همان جنس بود. یا حضرت عیسی (ع) وقتی به مصر رفتند با یک عده صیاد برخورد کردند. موقع نهار از ایشان دعوت کردند. حضرت هم کنار آنها نشست و از غذایشان تناول فرمود: آنها وقتی دیدند چنین شخص با عظمتی با چنان تواضعی نزدشان نشسته خوششان آمد و از او دعوت کردند که با آنها به ماهیگیری در رود نیل بروند. حضرت قبول کرد. در کشتی، با زبان خودشان (صیادی) با آنها سخن گفت و فرمود: «بیایید تور حقیقت، به دریای توحید افکنیم تا به جای صید ماهیان، مردمان را برای بهشت صید کنیم». این کلام به قدری دلنشین بود که همان

صیادان، حواریون حضرت عیسی (ع) شدند.

شرط چهارم آن که تبلیغ با روش پسندیده و با ابزار روز انجام گیرد. ما می‌بینیم که پیامبران ضمن باطن امور، به ظواهر هم اهتمام می‌دادند. پیغمبر اکرم (ص) با موی شانه زده و عطر و دهان مسواک زده در اجتماعات حاضر می‌شدند. در ارقام هزینه‌های پیغمبر اکرم (ص) و اهل بیت، یکی از اقلام اصلی هزینه‌هایشان تهیه عطریات بود. همیشه مسلمانان را از تمیزی و

پاکیشان می‌شناختند. برای یک مبلغ نیز چنین حالاتی لازم است تا گفتارش و کلماتش با خاطرات خوب توأم باشد نه با خاطرات خشن و تند.

مردم با عواطف و تداعی‌های خود مسائل را تجزیه و تحلیل می‌کنند. مثلاً اگر میزبانی، به جای ظرف آبخوری، یک آفتابه نو و پاک و تمیز خریداری کند و در آن شربت بریزد و سر سفره بگذارد، میهمانان حاضر نمی‌شوند در آن

جلسه بنشینند، حال هرچه میزبان توضیح دهد، مفید نخواهد بود. به دلیل تداعی منظره‌ای که از ظرفی چون آفتابه دارند، رغبت نمی‌کنند، حتی شربت را در چنان ظرفی ببینند. اگر در مسئله تبلیغ، تداعی‌های خوب داشته باشیم، این تبلیغ موفق خواهد بود.

در قدیم برای جذب بچه‌ها به نماز، زیر سجاده آنها سکه‌ای می‌گذاشتند. یا فرضاً در شهرستان اصطهبانات، درخت‌هایی را وقف بچه‌هایی کرده‌اند که به مسجد می‌روند. انجیرهایش را می‌چینند و به مسجد می‌برند و بچه‌ها هم به عشق انجیر در آنجا جمع می‌شوند و این خاطره خوبی برای آنها برجا می‌گذارد؛ کم‌کم در نماز و دیگر برنامه‌های مذهبی مسجد هم شرکت می‌کند و خلاصه این تبلیغ اثر می‌گذارد.

● با توجه به فضای فرهنگی جامعه امروز، و شرایطی که برای امر تبلیغ بیان فرمودید، شناخت مخاطب، خود یک امر مهم به شمار می‌رود، چه راهکارهایی برای شناخت مخاطب نیاز است؟

○ یک مبلغ خوب، پیش از قبول دعوت، باید درباره جلسه‌ای که می‌خواهد برود تحقیق کند. به این معنا که کاملاً واقف باشد که مخاطبین جوانند، میان سالند، خانم و یا

### تبلیغ به معنای پیام رسانی است و

### ابلاغ پیام نقش به‌سزایی در مسائل

### مختلف بخصوص در کار پیامبران

### دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

### «وما علی الرسول الا البلاغ. وظیفه

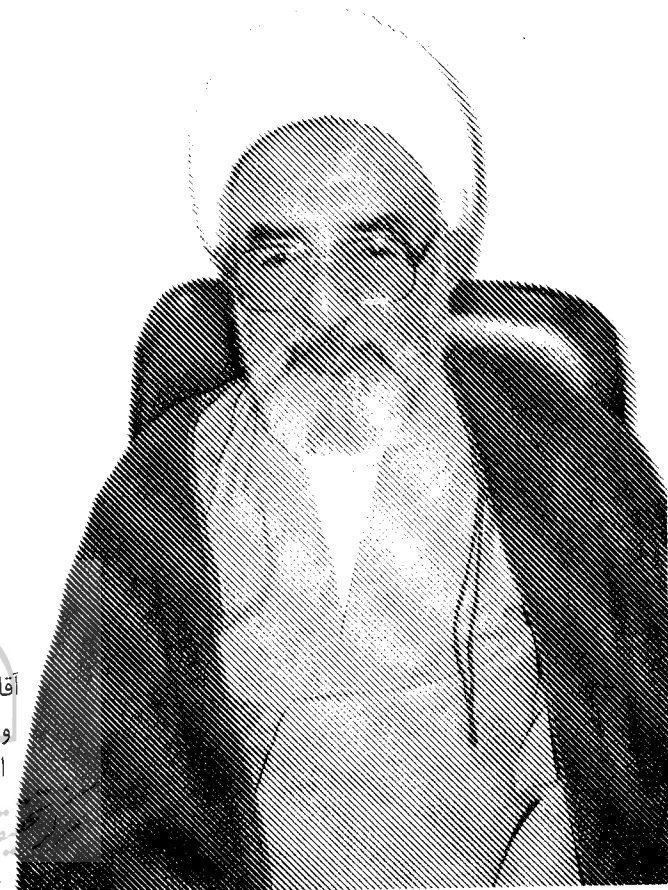
### پیامبر فقط ابلاغ پیام (وحی) است»

### (مانده ۹۹/ بنا بر این کار اصلی و

### اساسی پیامبران ابلاغ پیام است.



یکی از ابزارهایی که قرآن از آن استفاده کرده داستان است. از طریق قصه - که خواسته روانی هر انسانی است - تبلیغ کرده است. سال‌های نوجوانی را خداوند سال‌های سرگرمی و تفریح نامیده، در حالی که متأسفانه ما به این گروه کمتر رسیدگی می‌کنیم. بیشترین توجه قرآن به جوانان و نوجوانان است. سوره یوسف یک دوره درس اخلاق عملی است که در قالب داستان آمده و چقدر هم موثر است!



است - تبلیغ کرده است. سال‌های نوجوانی را خداوند سال‌های سرگرمی و تفریح نامیده، در حالی که متأسفانه ما به این گروه کمتر رسیدگی می‌کنیم. بیشترین توجه قرآن به جوانان و نوجوانان است. سوره یوسف یک دوره درس اخلاق عملی است که در قالب داستان آمده و چقدر هم موثر است! سوره آل عمران و سوره مریم مخصوص دختران جوان است. یا در سوره لقمان، نصایح ارزشمندی درباره روابط خانوادگی و فرزندان و والدین بیان می‌کند که همه در قالب داستان است. درس‌های مهم مسائل اعتقادی، در قالب داستان دوران جوانی حضرت ابراهیم هم از این دسته است که مسئله توحید و بت شکنی از زبان یک جوان بیان شده؛ همچنان که مسئله اعتقاد به خدا و معاد را از زبان جوانان کهن آورده است.

قرآن از روانشناسی کودک، نوجوان و جوان، خیلی جالب استفاده کرده که بیشترین علاقه‌مندی در این سنین، تجربه آموزی از داستان‌های پیشینیان است. ما باید از اینها استفاده کنیم: ساختن فیلم، تألیف کتاب‌های جذاب و تهیه اسلاید ابزارهای مختلف تبلیغ‌اند.

● پیامبران الهی هر یک اولیتی برای تبلیغ داشتند اگر خوب به تاریخ و سیره آنها دقت کنیم می‌بینیم که محور دعوت هر یک از آنان موضوع خاصی بود، به نظر جنابعالی از نظر موضوعی، در حوزه تبلیغات دینی چه موضوعاتی امروز در اولویت می‌باشند؟

○ این مسئله تابع شرایط زمان و مکان است. در فقه امامیه آمده که باید از مجتهد حی پیروی کرد. چرا که مجتهد

آقا هستند، پیرند یا جوان و همچنین به لحاظ اعتقادی و فرهنگی، چه افکاری دارند؟ هرچه بیشتر اطلاعات کسب کند، تبلیغش مؤثرتر

خواهد بود. مبلغ باید خود را با مخاطبان تطبیق دهد.

امام صادق(ع) به اصحابشان فرمودند: با مردم خوشرویی کنید و به آنها آسان بگیرید. از امام پرسیدند: در شهری هستیم که افرادش عثمانی هستند، پشت سر آنها نماز بخوانیم؟ فرمودند: بله، بخوانید؛ برای اینکه شرکت شما در برنامه‌های آنها موجب مرادوات بیشتر می‌شود و در صف نماز از شما سؤال می‌کنند و از افکار و عقایدتان با خبر می‌شوند و بدبینی‌هایشان را مطرح می‌نمایند و شما آنها را برطرف می‌کنید. گفتند: در جایی که ما هستیم، مردم به شما ارادت دارند، مخاطبان شما را هم دوست دارند. فرمودند: سختگیری باعث فرار مردم می‌شود، این روش ما نیست.

پیغمبر اسلام، احکام اسلام را طی بیست و سه سال به تدریج و با ملایمت به مردم رساند، نه یکباره.

● اتخاذ ابزارهایی مناسب از شرایط مهم تبلیغ است، امروزه چه ابزارهایی برای تبلیغ امور دینی لازم داریم؟

○ یکی از ابزارهایی که قرآن از آن استفاده کرده داستان است. از طریق قصه - که خواسته روانی هر انسانی



حی، شرایط زمان و مکان را در نظر می‌گیرد. یک وقتی برای ورزش رزمی مسابقات تیراندازی و اسب‌دوانی در نظر می‌گرفتند و جوانان را از این نظر مهیا می‌کردند، اما اینک که کمان کنار گذاشته شده باید دید چه سلاحی در جنگ‌های امروزی مورد استفاده است، آنها را در ورزش‌ها و برنامه‌های جانبی مورد استفاده قرار داد. بسیاری از کشورهای اسلامی در این زمینه، برنامه‌هایی به اجرا گذاشته‌اند که با شرایط دنیای امروز نزدیک است. مثلاً در سفری که به مالزی داشتیم، یکی از برنامه‌های تبلیغی آنها را دیدم که مثلاً عده‌ای جمع می‌شوند و برای تبلیغ، به روستایی می‌روند. ابتدا تحقیق می‌کنند که مشکلات آن روستا چیست. نخست به مشکلاتشان رسیدگی می‌کردند و سپس با برقراری چنین ارتباطی، جلساتی جهت آموزش قرآن و احکام و اخلاق برگزار می‌شد.

در گذشته، مرزهایی میان کشورهای اسلامی بود (به نام رباط) که عده‌ای داوطلب می‌شدند جهت مراقبت از کشور به آنجا بروند. مقداری از اوقاتشان صرف این موضوع می‌شد و بقیه وقت‌ها را به بحث و بررسی می‌پرداختند و اساتیدی هم بودند مثل غزالی که نذر می‌کرد تا آنجا برود و به آنها درس بدهد و چنین بود که همین رباط‌ها به حوزه علمیه تبدیل شدند. و اینها نقش مهمی در تبلیغات داشتند.

کشور اندونزی - که بالاترین درصد مسلمان‌ها را داراست - به برکت وجود هشت سید مسلمان شدند. این هشت نفر از یمن و حضرموت به قصد تجارت به آنجا رفتند، و به طور عادی مشغول کسب و کار خود بودند، مردم می‌دیدند که اینها به شعائر خاصی عمل می‌کنند و سویی انسان‌های درست کار و امانت‌داری هم هستند. همچنین آنها تعجب می‌کردند وقتی می‌دیدند اینها هنگام نماز، معامله را رها می‌کنند و سراغ نماز می‌روند. بالاخره از اینها پرسیدند؛ شما بر چه دینی هستید؟ گفتند: ما مسلمانییم. خیلی‌ها با دیدن اعمال و رفتار خوب این تاجران، مسلمان شدند.

امسال که بنده به مکه مشرف شده بودم، به دیدن دوستی رفتم که با کاروانی از آمریکا آمده بود. در کاروان آنها با یک پاکستانی برخورد کردم که می‌گفت: در آمریکا کارخانه بسیار بزرگی دارم که شمار زیادی از مردم نزد من کار می‌کنند. روزی دختر خانی از بین آنها به من گفت: شما مسلمانیید؟ گفتم: بله، گفت: برادر من تازه مسلمان شده

و می‌خواهد با شما ارتباط برقرار کند. گفتم: او را به نزد من بیاور! گفت: او در زندان است و نمی‌تواند اینجا بیاید. گفتم: شاید جرمی مرتکب شده که به زندان افتاده، بنابراین من با او صحبت نمی‌کنم. گفت: تازه مسلمان شده، اجازه بدهید شما را ببیند. موافقت کردم. تماس گرفت و پس از صحبت‌های اولیه پرسیدم: از من چه می‌خواهی؟ گفت: فقط قرآن برای من تهیه کنید! گفتم: باشد، از طریق خواهرت می‌فرستم. گفت: یک نسخه نمی‌خواهم، هرچه بیشتر باشد، بهتر. من هم حدود بیست نسخه تهیه کردم و فرستادم. پس از مدتی باز هم تماس گرفت و قرآن خواست. گفت: خیلی‌ها تحت تأثیر قرائت قرآن قرار گرفته‌اند. این کار را ادامه دادیم، تا اینکه یک بار پیام داد برایم خرما و چوب مسواک بفرستید. گفتم: اینها را برای چه می‌خواهید؟ جواب داد: برای اینکه افرادی که مسلمان شده‌اند، در زندان روزه می‌گیرند و می‌خواهیم طبق سنت افطاری کنیم. خلاصه بعد از مدتی متوجه شدیم حدود چهل هزار نسخه قرآن را در مدت کوتاهی به این زندان فرستاده‌ایم. به فکر افتادیم که ملاقاتشان کنیم. رفتیم و دیدیم همه قرآن می‌خوانند رئیس زندان هم در گوش من گفت: یک قرآن هم برای من بیاورید.

می‌خواهم عرض کنم: امروز، منحصر کردن ابزار تبلیغ دین به محراب و منبر، به هیچ وجه کارساز نیست. گاهی نشر قوی و زیبایی آثار، گاهی افراد توانمند و دانشمند، گاهی روزنامه و نشریه و گاهی آماده‌سازی فضاهای مناسب لازم است. در هر موقعیتی باید ابزار مناسب آن را به کار گرفت. این موانع، همیشه بوده و هست و خواهد بود و قرآن کریم می‌فرماید: ما در برابر هر پیغمبری، شیطان، انس و جنی آفریده‌ایم.

● **به نظر شما چه موانعی در برابر تبلیغات دینی و مبلغان دین قرار دارد و چگونه باید آنها را از سر راه برداشت؟**

○ در کنار هر گلی، خاری هست و همین خاری یک دفاع برای اوست. همچنین هر چراغی نیاز به کبریت، فتیله نفت و غیره دارد که آتشزا و خطرناکند ولی همین، باعث روشنایی چراغ است.

در برابر مبلغان هم یک موانع و چالش‌هایی وجود دارد که فعالیت می‌کنند و ما باید در جهت مثبت از آنها استفاده کنیم. او اشکالی را وارد می‌کند و مبلغ در این فرصت برای





پاسخ گویی به پا می‌خیزد و خیلی مسائل را روشن می‌کند. اخیراً در جلسه‌ای، فردی یادداشتی به من داد با این مضمون: «شنیده‌ام آقای محکوم به اعدام شده به این خاطر که حاضر نشده الوهیت ائمه و اهل بیت را بپذیرد».

همین سؤال فرصتی برای من پیش آورد که هم احساس وظیفه کنیم و هم در جلسه‌ای که برای سخنرانی دعوت بودم، به این موضوع بپردازم. که اگر چنین بود باید با تمامی مراجع تقلید برخورد می‌شد، زیرا همه در رساله خود نوشته‌اند، کسی که قائل به الوهیت ائمه است کافر و نجس است و از زکات و ارث محروم است. سپس اضافه کردم: شما وقتی چنین چیزهایی می‌شنوید نخست تحقیق کنید که آیا این مسئله از اساس درست است یا خیر.

حیات استعمار به ایجاد تفرقه در میان مسلمانان است و اگر مسلمانان روزی باهم متحد شوند، آن روز، روز مرگ استعمار است. استعمار با تمام ابزارهای تبلیغی، تلاش در جدایی و تفرقه ما دارد، ما باید بسیار هوشیار باشیم.

این نکته را هم اضافه کنم: به همان اندازه که مبلغان برای پیام رسانی حق و روشن کردن مردم تلاش می‌کنند، شیاطین هم در جهت خنثی کردن، مشغولند.

یکی از علمای فعال و پرکار مصر که در زمان ریاست جمهوری جمال عبدالناصر ارتباط نزدیکی با او داشت، نقل می‌کند، روزی به منزل ایشان رفتم، گله کردم که این همه برای وحدت مسلمانان زحمت می‌کشیم ولی مجلات و روزنامه‌ها مرتب علیه ما مقاله می‌نویسند. جناب عبدالناصر گفت: تمام آنچه را که در روزنامه‌ها و مجلات علیه شما می‌نویسند، جمع‌آوری کنید. من هم این کار را انجام دادم و بعد از چند ماه، چند کلاسور پر از بریده روزنامه را نزد ایشان بردم - به خیال اینکه قصد برخورد با آنها را دارد - عبدالناصر گفت: این نوشته‌ها میزان کارکرد شماست. هر ماهی که کمتر علیه شما مطلب نوشته شده، همان ماه کم کاری داشته‌اید و بالعکس.

● با توجه به فضای موجود تبلیغات دینی، چه

آسیب‌هایی در حال حاضر تبلیغات دینی ما را تهدید می‌کنند؟

○ واقعیت آن است که من از بابت آسیب‌هایی که تبلیغات دینی ما را تهدید می‌کند خیلی نگرانم و شاهد آن هستم که امور دینی جامعه ما بویژه تبلیغات دینی با آسیب‌های فراوانی روبه‌روست؛ چه، متأسفانه، بسیاری از تبلیغات ما به دست افراد جاهل افتاده؛ و اکنون دیگر امثال شهید بهشتی، شهید مطهری، مرحوم آقای فلسفی و شخصیت‌های بزرگ فکری در این امر وارد نمی‌شوند و شاید یکی از علت‌های آن این باشد که در رژیم گذشته، کمتر جوان‌ها را به تحصیل علوم دینی می‌فرستادند؛ لذا مبلغان اسلامی کم شدند. در حال حاضر ما از کتاب‌الله و عترت، خیلی کم بهره‌مندیم، چرا که تعداد مبلغان ما در این زمینه کم هستند؛ این آسیبی است که دشمنان ما بسیار سوءاستفاده می‌کنند و مردم را سرگرم تحریک احساسات نموده‌اند.

مرحوم شهید مطهری می‌فرمودند که ما شیعه‌ها به ائمه بیشتر ظلم کرده‌ایم؛ چون این همه فضائل و محاسن کلام و فقهشان را گوشه‌ای گذاشته‌ایم و بیشتر مسائل اختلافی را دامن می‌زنیم و سینه کسانی را نشانه گرفته‌ایم که فکر می‌کنیم اینها قائل به حقانیت و عظمت اهل بیت نیستند و جنگ و دعوا می‌کنیم که حق با اینها بوده. وقتی پیامبر اکرم(ص) اهل بیت را ستودند، برای این بود که از این مشک‌های دلاویز استفاده کنیم. وظیفه ما نشان دادن آنهاست. همین که مردم آنها را ببینند، سرمست و عاشق آنها می‌شوند. ولی ما متأسفانه، نسبت به کسانی که فکر می‌کنیم حق اهل بیت را شناخته‌اند، بیشتر طعن و بدگویی می‌کنیم.

امام رضا(ع) فرمودند: «اگر مردم محاسن کلام ما را بفهمند، پیرو ما می‌شوند».

● با تشکر از جنابعالی به سبب وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

**شاهد آن هستیم که امور دینی جامعه ما بویژه تبلیغات دینی با آسیب‌های فراوانی روبه‌روست؛ چه، متأسفانه، بسیاری از تبلیغات ما به دست افراد جاهل افتاده؛ و اکنون دیگر امثال شهید بهشتی، شهید مطهری، مرحوم آقای فلسفی و شخصیت‌های بزرگ فکری در این امر وارد نمی‌شوند.**